

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: Y۶SH۲۱A۶۲۲ ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

تحلیل سیر تحول مناسبات تجارت و محیط زیست در متون و اسناد

حقوقی بین المللی و منطقه‌ای

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۲/۱۸)

دکتر علی مشهدی^۱

عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه قم

سبا حیدرونند

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد واحد امارات

چکیده

جهانی شدن و افزایش نگرانی‌های عمومی درباره پیامدهای محیط زیست و مناسبات تجاری، دو موضوع بسیار مهم در عرصه روابط بین الملل است که از دهه ۱۹۸۰ در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است. تجارت آن هم در سطح کلان و بین المللی را نمی‌توان مطلقاً مضر یا مطلقاً مفید به حال طبیعت و محیط زیست دانست. به همان اندازه که بعضی از فعالیت‌های تجاری سبب بروز آسیب به محیط زیست می‌شوند برخی از آنها مانند توسعه تکنولوژی از طریق دادو ستد کالاهای سرمایه ای و واسطه ای که باعث کاهش مضرات زیست محیطی می‌شوند، نقشی مثبت در سلامت آن و در نتیجه سلامت و رفاه آدمی ایفا می‌کنند. روند سریع صنعتی شدن جوامع و در کنار آن گرایش به جهانی شدن، دنیا را دستخوش تحولات عظیمی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کرده است و نیز موجب تخریب محیط زیست و آلودگی آن گردیده است که در این رابطه موافقتنامه‌های تجاری سازمان تجارت جهانی از جمله ترپس، گتس، موافقتنامه کشاورزی، موافقتنامه موانع فنی فراروی تجارت، موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی دارای مقررهایی خاص در جهت حفظ محیط زیست و منابع تجدید ناپذیر هستند. در اسناد تجاری منطقه ای همچون اتحادیه اروپا، مقررات نفتا و مرکوسور نیز حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار از جمله اهداف اساسی متولیان آن اسناد به حساب

می‌آیند. در این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی نگارش شده است قصد داریم به بررسی و تحلیل سیر تحول مناسبات تجارت و محیط زیست در متون و اسناد حقوقی بین المللی و منطقه ای پردازیم و ضوابط زیست محیطی مندرج در موافقت نامه‌های سازمان تجارت جهانی را مورد مذاقه و پژوهش قرار دهیم.

واژگان کلیدی: محیط زیست، حقوق تجارت، تجارت بین الملل، حقوق بین الملل، اسناد حقوقی

بخش اول: بررسی مفهوم محیط زیست و تاثیر آن در عرصه تجاری در منطقه

محیط یک موجود، مجموعه عوامل جاندار و بیجان است که در یک فضای مشخص و در زمان معین آن موجود را در خود فرو گرفته و با آن در کنش متقابل قرار دارد. محیط‌های مختلفی وجود دارد، محیط سکونت، محیط کار، محیط تعلیم و تربیت، بیابان، خیابان، محیط پارک، شهر و روستا و در نهایت فضایی که محیط‌زیست کلی انسان و سایر موجودات را تشکیل می‌دهد. محیط‌زیست اصلی انسان و موجودات زنده لایه‌ای است بسیار محدود که تنها بخشی از جو و پوشش خاکی کره‌ی زمین را شامل می‌شود. این لایه حیات‌آفرین را بیوسفر (Biosphere) یا زیست کره می‌نامند و تنها در این لایه است که حیات به صورت متمرکز وجود دارد، اما دیگر لایه‌ها در کل فرآیند زیست انسان و موجودات زنده نیز اثر حیاتیبخش دارند. اکثر محیط‌ها، در طی سال‌های متمادی دچار تغییر می‌شوند. در غالب این تغییرات، انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم دخالت دارد. طبیعت و محیط‌زیست مدت‌هاست که در مقابل انسان در موضعی انفعالی قرار گرفته است، زیرا انسان، محیط‌زیست خود را که همانا بستر حیات و ادامه بقای اوست، برحسب نیازهای گوناگون خود، دگرگون نموده و به آن شکل و ساخت مورد نیاز خود را بخشیده است. در نتیجه این دگرگونی‌ها، تکامل «بیوسفر» از مسیر طبیعی خود خارج گشته و در مسیری که انسان اراده نموده، قرار گرفته است.

بند اول: آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری مدیریت محیط‌زیست در خاورمیانه

از آنجا که منابع طبیعی و محیط‌زیست تنها متعلق به نسل‌های امروز نیست و آیندگان نیز از آن سهمی دارند و به منظور رعایت اصل توسعه پایدار که خواهان پیشرفت در زمینه صنعت و رفاه انسان و در عین حال حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی است، استقرار سیستم‌های مدیریتی همچون سیستم مدیریت زیست‌محیطی می‌تواند جهت نیل به این مهم مؤثر باشد. این در حالی است که بررسی جایگاه

کشورهای خاورمیانه در گزارش‌های ارائه شده در خصوص محیط‌زیست، نشان از ضعف جدی آن‌ها در این مقوله دارد. به نظر می‌رسد عوامل زیر برخی از مهم‌ترین دلایل این نقصان مدیریت زیست‌محیطی در کشورهای خاورمیانه هستند.^۱

بند دوم: فقدان فرهنگ حمایت از محیط‌زیست

محیط‌زیست و مسائل آن مهمترین چالش‌هایی است که مردم و دولت‌های جهان امروز با آن مواجه‌اند. در حالی که ملل جهان بنابه اولویت‌های خود درجات متفاوتی از اهمیت برای این چالش‌ها قائلند، کشورهای خاورمیانه، فهرست بلندی از نگرانی‌ها و اولویت‌ها دارند که بیش از مسائل محیط‌زیست و تغییر آب و هوا برایشان مهم است؛ مسائلی همچون نیاز مبرم به برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی برای حل مسئله بیکاری گسترده، مبارزه با فقر و تأمین خدمات آموزشی و بهداشت برای جمعیتی با آهنگ رشد سریع. با این وجود این کشورها در سال‌های اخیر هزینه‌های مادی زیادی ناشی از گرما، سیل‌ها و طوفان‌های شدید و بحران ریزگردها متحمل شده‌اند. بدون تردید سران کشورهای خاورمیانه نیز تا حدی از چالش‌های حاد زیست‌محیطی آگاه هستند؛ ولی مسائل و مشکلات داخلی متعدد، قابلیت آن‌ها را برای واکنش در برابر چالش‌ها و خطرات زیست‌محیطی کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی اکثریت جامعه و همچنین بسیاری از سیاست‌گذاران ارشد، حفظ محیط‌زیست را مسأله‌ای تجملی و زائد تلقی کنند و حاضر به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های لازم برای جلوگیری از گسترش فجایع زیست‌محیطی نیستند. این امر با بررسی برنامه‌های توسعه و اسناد چشم‌انداز سه کشور مورد بررسی به وضوح قابل اثبات است. طبق برنامه پنجم توسعه در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴) که طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ در حال اجرا بوده است، اهمیت و استقلال مسائل زیست‌محیطی به طرز چشم‌گیری نسبت به برنامه چهارم کاهش یافته است. این قانون که برای تحقق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران تدوین شده است، ۲۳۵ ماده دارد که ۱۰۸ ماده آن به مسائل اقتصادی و تنها هفت ماده از آن (مواد ۱۸۷-۱۹۳) به مباحث زیست‌محیطی اختصاص دارد (برنامه پنجم توسعه ج.ا.ا، ۱۳۹۰-۱۳۹۴). در برنامه نهم توسعه کشور ترکیه نیز که سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ این کشور را پوشش می‌دهد و مطابق با سند چشم‌انداز ۲۰۲۳ این کشور تنظیم شده است، هیچ فصل مجزایی به مباحث زیست‌محیطی اختصاص نیافته و تنها ۴ بند پراکنده در مواد ۷ و ۵ این برنامه به محیط‌زیست اختصاص یافته است

۱ شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۸). حقوق تجارت بین الملل؛ تهران، انتشارات سمت، ص ۳۶

(Ninth Development Plan, ۲۰۰۶). با این وجود در برنامه نهم توسعه عربستان سعودی که سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ را پوشش می‌دهد و شامل سی و چهار ماده کلی است ماده دوازدهم به طور کلی به مباحث محیط‌زیست و توسعه پایدار اختصاص یافته و روش‌ها، سطوح و بودجه مشخصی برای این امر در نظر گرفته شده است (Brief Report On The Ninth Development Plan) و در این زمینه عربستان سعودی در جایگاه برتری نسبت به دو کشور دیگر قرار دارد.

بند سوم: رشد روز افزون تجارت بین‌المللی

با افزایش جمعیت شاهد افزایش تصاعدی سطح تجارت بین‌المللی در دنیا هستیم. به عنوان مثال پس از فروکش کردن جنگ جهانی دوم و شروع بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ یا به عبارتی پس از برگشت آرامش و امنیت بین‌المللی که به دلیل دو جنگ پیاپی و فراگیر جهانی به نوعی از تمامی انسان‌ها در سراسر دنیا سلب شده بود و امکان تردهای امن بین‌المللی در آفریقا، اروپا، آسیا و حتی اقیانوسیه به حالت طبیعی خود بازگشت، یعنی از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۷ میلادی حجم تولیدات کشورهای مختلف جهان ۷ برابر شد اما در همان بازه زمانی حجم داد و ستدهای بین‌المللی ۲۸ برابر گردید. ۱ که می‌توان در علم ریاضیات چنین روند افزایشی را روند تصاعدی نامید.^۲

بخش دوم: حمایت از محیط‌زیست و تاثیر آن بر صلح در خاورمیانه

با بررسی وضعیت موجود و مطالعه آثار در دسترس تردیدی باقی نمی‌ماند که مسأله حمایت از محیط‌زیست با مفاهیمی چون صلح و امنیت و موانع بروز جنگ ارتباط متقابل دارد. بطوری که اگر صلح و امنیت نباشد محیط‌زیست بطور جدی در معرض تخریب و نابودی قرار می‌گیرد. لذا یکی از مهم‌ترین ابعاد صلح و امنیت، حمایت از محیط‌زیست و منابع و سیستم‌های حافظ حیات زمین است که طول عمر و رفاه بشر به آنها وابسته است.

خاورمیانه (Middle East) واژه‌ای سیاسی است که بر یک گستره جغرافیایی در سطح کره زمین اطلاق می‌شود. این گستره معمولاً از یک مرز مشخص برخوردار نبوده و وسعت آن متغیر می‌باشد. اما هسته اصلی خاورمیانه شامل منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس و حاشیه جنوب غربی آسیاست. بعضی

۱ ویکی‌پدیا فارسی، قابل دسترس در ساعت ۱۸ مورخ نهم اردیبهشت ۱۴۰۰ به آدرس:

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF_%D8%A8%DB%AC%D9%86%E2%80%AC%D8%A7%D9%84%D9

۲ شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۸). حقوق تجارت بین‌الملل؛ تهران، انتشارات سمت، ص ۴۶

مواقع گستره خاورمیانه وسیعتر تلقی می‌گردد و در نتیجه محدوده‌ای فراتر را در بر می‌گیرد. در این تصور جغرافیائی، خاورمیانه علاوه بر در برداشتن مناطق پیش گفته، کشورهای چوچون مصر، ترکیه و حتی افغانستان و در مواردی پاکستان را هم شامل می‌شود. اصطلاح خاورمیانه برای نخستین بار توسط آلفرد تایر ماهان، از افسران نیروی دریایی آمریکا بکار برده شد (ماهان بعدها نظریه قدرت دریائی را مطرح و از صاحب نظران مشهور در عرصه ژئوپولیتیک گردید). غریبان در تقسیم کره زمین به مناطق مختلف که اصولاً بر پایه منافع خودشان صورت گرفته، عنصر فاصله را بکار برده‌اند. بر همین اساس، خاورمیانه، خاور نزدیک و خاور دور را در برابر واژه باختر که مبین غرب اقتصادی و ایدئولوژیک است ابداع نموده‌اند. خاورمیانه در طی قرن بیستم یکی از مناطق پرتلاطم جهان بود و تاریخ یکصد ساله آن بیش از تاریخ چند صد ساله برخی مناطق دیگر دارای فراز و نشیب بوده است. خاورمیانه مملو از جنگ‌ها، اشغالگری‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها، تجاوزها، ظهور و سقوط قدرت‌های خودکامه، همگرایی و واگرایی‌ها بوده است. حاصل این تاریخ پرتلاطم، مرگ میلیون‌ها انسان بی‌گناه و تحمیل خسارت‌های فوق‌العاده زیاد بر این منطقه می‌باشد. از بسیاری جهات خاورمیانه هنوز روند تکاملی خود را طی نکرده و در آغاز راه است و برای رسیدن به وضع مطلوب باید تلاش فراوانی صورت بگیرد. مسائل مختلفی در این منطقه وجود دارد که بستر مساعدی برای بروز تنش‌های بین‌المللی به شمار می‌روند. اختلاف ارضی و مرزی بین برخی از کشورهای خاورمیانه از معضلات ژئوپولیتیکی این منطقه می‌باشد. در مواردی این اختلافات به جنگ تمام عیار تبدیل گردیده و در مواردی هم تنش‌ها بوده است. اختلاف طبقاتی یکی از ویژگی‌های نه‌چندان مطلوب در درون کشورهای این منطقه می‌باشد. در حالیکه برخی از کشورها از درآمدهای سرشار نفت و سایر منابع بهره می‌برند، برخی دیگر از کشورها از درآمد پایین برخوردار می‌باشند. ضمن اینکه بین کشورها هم به لحاظ درآمد اختلاف سطح فراوانی وجود دارد. خاورمیانه هنوز به درستی حرکات دموکراسی را تمرین نمی‌کند و از عارضه خودکامگی رنج می‌برد.^۱ شهروندان هنوز جایگاه واقعی خود را نمی‌شناسند. انتخابات آزاد و دموکراتیک همه گیر نشده و انتخابات موجود کاریکاتوری از انتخابات آزاد است. ضمن اینکه در مواردی اساساً انتخابات فرمایشی است و رأی و نظر مردم به هیچ وجه کارساز نیست (احمدی، مقصودی ۱۳۸۱: ۱۷). دستیابی به آزادی بیان یکی از آرزوهای دیرینه مردمان این منطقه است.

۱ پورهاشمی، سید عباس و ارغنده، بهاره (۱۳۹۲). حقوق بین الملل محیط زیست؛ تهران؛ نشر دادگستر، ص ۶۴

آزادی‌های موجود بسیار محدود بوده و مخالفان به هیچ وجه نمی‌توانند به بیان آزادانه نظرات خود بپردازند و یا انتقادی از رویه‌های موجود سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بکنند. مفهوم شهروندی و آگاهی شهروندان از حقوق طبیعی و قانونی خویش امری غریب به نظر می‌آید. عدالت اگرچه کاربرد زیادی دارد اما بیشتر سیاسی است تا اجتماعی و اقتصادی. خشونت به کرات بروز می‌کند و جنگ سایه شوم خود را بر روی منطقه انداخته است.

صلح مؤلفه‌ای ناللموس است که به کمیت درآوردن و یا سنجش آن از طریق دیگر، دشوار است. در تعریف منفعلانه، صلح مستلزم عدم وجود جنگ، اقدامات تروریستی و خشونت است. با این حال، این خصوصیات محدود که بعنوان علل اساسی درگیری یا پایداری صلح در سطح جهان مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد، شرط کافی برای صلح نیست. در تعریف فعالانه، صلح نیاز به حضور عدالت دارد. یک تعریف گسترده از صلح به روابط صلح‌آمیز، نه تنها بین ملت‌ها، بلکه بین گروه‌ها یا جوامع، بین افراد و بین مردم و طبیعت اشاره دارد. درست همانگونه که فرهنگ‌های بسیاری وجود دارد، صلح‌های فراوان (جمعی) هم وجود دارد؛ صلح منحصربه‌فرد نیست. نوع صحیح صلح می‌تواند وجود داشته باشد (Salazar, ۲۰۰۶:۳۲۲). یکی از راه‌های روشن‌سازی و رفع ابهام از اصطلاح صلح، تعریف انواع جنگ و صلح است. بنابراین صلح گرم و سرد و جنگ گرم و سرد، می‌تواند وجود داشته باشد. در جنگ گرم که عموماً جنگ نامیده می‌شود، خصومت متقابل و اقدام فیزیکی فعال از طریق اشکالی نظیر توپخانه، موشک، بمب، خمپاره، مبارزه تن‌به‌تن و نظایر آن وجود دارد. هدف نابودی دشمن یا به تسلیم واداشتن‌اش با تهدید و ارعاب است. مقصود این است که یک برنده و بازنده وجود داشته باشد. ناسیونالیسم در اینجا به اوج خود می‌رسد. در جنگ سرد، خصومت متقابل بدون اقدام واقعی وجود دارد. ارعاب تنها وسیله جلوگیری از جنگ گرم است. این شرایط توسط تبلیغات، مهیا ساختن جنگ و مسابقات تسلیحاتی شناخته می‌شود. در طول جنگ سرد، ناسیونالیسم غالب است و هدف داشتن بن‌بست در جایی است که هیچ‌یک از طرفین آغازکننده تهاجم نباشند هسته‌ای یا متعارف به دلیل قابلیت مخرب منکوب‌کننده پاسخ تلافی‌جویانه. در صلح سرد تقریباً دید خنثی نسبت به دشمن قبلی وجود دارد. کمی خصومت متقابل وجود دارد، اما همچنین یک عدم تعامل دوجانبه سودمند با هدف توسعه اعتماد، وابستگی متقابل و همکاری وجود دارد. در این وضعیت، انزوایی و ناسیونالیسم بطور همزمان رخ می‌دهد. در اینجا هدف روشنی وجود ندارد، زیرا دشمن به خوبی تعریف نشده است. این تصور که هنوز هم مردم خطرناک در جهان وجود دارد، اغلب برای پیشبرد علت آمادگی نظامی و

حداقل مقداری حرکت بسوی احیای تفکر و رفتار جنگ سرد استفاده می‌شود. در مقابل صلح گرم شامل تلاش‌های همکارانه فعال برای ساخت پل‌ها بین و در میان دشمنان گذشته و حال است. این شامل جستجو برای ایجاد زمینه‌های مشترک و توسعه دشمنان غیرانسانی جدیدی است که تهدیدهایی برای سلامت و رفاه نوع بشر و این سیاره هستند. این دشمنان جدید می‌توانند نقض حقوق بشر، آلودگی هوا و آب، کاهش منابع انرژی، تخریب لایه ازن، قحطی، فقر و جهل باشند. ترویج صلح گرم توسط وابستگی جهانی متقابل، حقوق بشر، دموکراسی، یک سازمان ملل متحد مؤثر و کاهش حاکمیت ملی تعریف شده است. هدف گسترش روابط همکاری و نتایج سودمند دوطرفه است. تفکر صلح گرم، تصور صلح و لغو جنگ است (Sandy & Perkins, Ibid: ۲-۳). راه دیگر تفکر درباره صلح، تعریف صلح منفی و مثبت است. صلح بعنوان صرف نبود جنگ چیزی است که از نگاه وولمن به صلح منفی اشاره دارد. این تعریف مبتنی بر ایده‌های یوهان گالتونگ^۱ از صلح است. برای گالتونگ، صلح منفی بعنوان کشوری تعریف می‌شود که نیازمند مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی است که تأمین کننده امنیت و حفاظت از اعمال خشونت فیزیکی مستقیم توسط افراد، گروه‌ها یا ملت‌هاست. تأکید بر روی کنترل خشونت است. راهبرد اصلی افتراقی است که به موجب آن احزاب متضاد از هم جدا نگه داشته می‌شوند. با سرکوب فشارهای آزادی ناشی از درگیری‌های اجتماعی، تلاش‌های صلح منفی ممکن است واقعاً منجر به خشونت آینده در حجم بیشتر گردد. صلح مثبت شامل جستجوی شرایط مثبتی است که می‌تواند علل مناقشاتی را که موجب خشونت می‌شوند، حل کند (Woolman, ۱۹۸۵:۵). صلح مثبت بر چارچوب مشترکی از ارزش‌های جهانی استوار است، از جمله: احترام به شأن و منزلت و حقوق انسانی، عدالت، تحقق آرمان‌های دموکراسی، عدم خشونت، مدارا، بردباری و فرآیند مشارکت پویا و مثبتی که در آن گفتگو تشویق می‌شود و تضادها و برخوردها در روح همکاری و درک متقابل حل می‌شوند. چنین مفهوم مثبتی از صلح باید در همه سطوح فردی، بین فردی، بین گروهی و بین‌المللی ایجاد شود (UNESCO, ۲۰۰۰).

بخش سوم: نگاهی به تاریخچه‌ی روابط میان تجارت و محیط زیست در اسناد حقوقی

بین‌المللی

نظام تجاری در آغاز کار خود یعنی دهه‌ی ۱۹۲۰، از مداخله در مسائل مربوط به سلامت ملی و

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۷). مسؤولیت بین‌المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، تهران، موسسه

سیاست‌های زیست محیطی اجتناب می‌ورزید. اولین معاهده‌ی چند جانبه‌ی تجاری؛ یعنی کنوانسیون کاهش تشریفات حقوق و عوارض گمرکی (۱۹۲۳) در ماده‌ی ۱۷ خود بیان داشته: "مقررات معاهده‌ی حاضر به اقداماتی که دول متعاقد به منظور تضمین سلامت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان به عمل می‌آورند، لطمه وارد نخواهد ساخت".

از دیگر معاهدات تجاری چند جانبه مهم در آن زمان، کنوانسیون ممنوعیت‌های تجاری (۱۹۲۷) است که با هدف لغو ممنوعیت‌های وارده بر صادرات و واردات وضع شده بود. کنوانسیون مزبور در بند ۴ ماده‌ی ۴ خود، به بیان استثنایی در رابطه با ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌هایی پرداخته که به منظور حفاظت از سلامت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان در برابر بیماری‌ها، حشرات، آفات و انگل‌ها وضع و اعمال می‌گردید.

پس از انعقاد کنوانسیون یاد شده، نگرانی‌هایی مبنی بر عدم وضوح و کفایت استثناء مندرج در بند ۴ ماده‌ی ۴ مطرح گردید. از این رو به منظور روشن ساختن حوزه‌ی این استثناء، دولت‌های عضو مبادرت به انعقاد یک پروتکل نمودند. مطالعه‌ی این پروتکل بر ما روشن می‌سازد که حتی در سال ۱۹۲۷ نیز جامعه‌ی بین‌المللی از آثار و عوارض مقررات تجاری بر امنیت و تنوع زیستی، آگاه بوده است؛ زیرا علاوه بر موارد زیست محیطی ذکر شده در کنوانسیون، پروتکل به اقداماتی اشاره دارد که به منظور حفاظت از حیوانات و گیاهان در برابر نابودی و انقراض آن‌ها صورت می‌پذیرد (بند الف ماده‌ی ۴). پس از جنگ جهانی دوم، یعنی زمانی که دولت‌ها در حال مذاکره پیرامون موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) و منشور سازمان بین‌المللی تجارت (Havana Charter, ۱۹۴۸ ITO, ۱۸۷) بودند، شماری از موافقت‌نامه‌های زیستی محیطی چندجانبه با تعهدات تجاری خاص در عرصه‌ی بین‌المللی وجود داشت، از آنجایی که دوران پس از جنگ، زمان مناسبی برای طرفداران محیط زیست بود تا سیاست‌های خود را در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست محیطی تنظیم نمایند، در این دوره مذاکرات متعدد پیرامون کنوانسیون‌های زیست محیطی آغاز شد که منتهی به انعقاد چند کنوانسیون گردید. به دلیل وجود همین کنوانسیون‌ها بود که نویسندگان منشور ITO اقدام به درج یک استثنای عام در آن منشور نمودند. این استثنا شامل اقداماتی می‌شد که بر اساس موافقت‌نامه‌های بین‌الدولی مرتبط با حفاظت از منابع دریایی و شیلات، پرندگان مهاجر حیوانات وحشی، انجام می‌پذیرفت (Havana Charter, art. ۱۹۴۸, ۴۵).

بنابراین به نظر می‌رسد بر خلاف عقیده‌ی اکثر صاحب‌نظران، موسسان نظام تجارت جمعی، از چالش -

های زیست محیطی مشخص و ضرورت انطباق سیاست‌های تجاری در حال ظهور با این چالش‌ها مطلع بودند. اما منشور ITO هیچ زمان لازم‌الاجرا نگردید و به جای آن تا زمان تأسیس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵، «گات» روابط تجاری چندجانبه را تنظیم می‌نمود. دومین دوره‌ی اثرگذاری مسائل زیست محیطی بر تجارت بین‌الملل، اوایل دهه‌ی هفتاد بود. در آن زمان با قوت گرفتن بحث محیط زیست در عرصه‌ی بین‌المللی، گات نیز تحت تأثیر مسائل زیست محیطی قرار گرفت. از این‌رو دبیرکل «گات» مبادرت به تهیه گزارشی پیرامون «کنترل آلودگی صنعتی و تجارت بین‌الملل» (GATT, ۱۹۷۱) نمود. به علاوه گروهی با عنوان «گروه اقدامات زیست محیطی و تجارت بین‌الملل» به منظور بررسی روابط متقابل میان تجارت و محیط زیست در «گات» تأسیس گردید. اما متأسفانه این گروه به مدت دو دهه هیچ نشست و جلسه‌ای نداشت.^۱ در اوایل دهه‌ی نود، تحت تأثیر فشارهای وارده مبنی بر تشکیل جلسه توسط «گروه اقدامات زیست محیطی و تجارت بین‌الملل»، که عمدتاً از سوی سازمان‌های غیر دولتی اعمال می‌گردید، سرانجام گروه اقدام به تشکیل جلسه نمود، اما این جلسات نتایج چشمگیری در پی نداشت. در نهایت عملکرد ضعیف گروه تجارت و محیط زیست «گات» سبب جایگزینی آن با کمیته‌ی تجارت و محیط زیست (CTE) سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ گردید. این کمیته تلاش نمود تا درک بهتری از سیاست‌های میان‌بخشی پیدا نموده و نیز همکاری بهتر و بیشتری با تصمیم‌گیرندگان داخلی و ملی داشته باشد (Shaffer, ۲۰۰۱, ۹۳). نخستین گام توجه سازمان تجارت جهانی به مسائل زیست محیطی، با معاهده‌ی مؤسس آن سازمان برداشته شد. زیرا در مقدمه‌ی موافقت‌نامه‌ی مزبور، کشورهای عضو به صراحت بر اهمیت حفاظت و حمایت از محیط زیست تأکید نموده‌اند:

"... طرفین متعاهد تصدیق می‌نمایند که روابط تجاری و فعالیت‌های اقتصادی آنان می‌بایست با نگرش به افزایش استانداردهای زندگی همراه باشد... ضمن این که استفاده‌ی بهینه از منابع جهان مطابق با اهداف توسعه‌ی پایدار لحاظ شده و در جستجوی حفاظت از محیط زیست و افزایش ابزارها و وسایل این حفاظت در سطوح مختلف توسعه‌ی پایدار باشد..." (WTO, Online, ۱۹۹۴).

در سال ۱۹۹۸، در قضیه‌ی «ممنوعیت وارداتی وضع شده توسط ایالات متحده آمریکا بر انواع

۱ جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، نویسنده زهرا محمودی کردی (استادیار

گروه حقوق دانشگاه مازندران)، دوره ۱۵، شماره ۴۱ - شماره پیاپی ۴۱ مهر ۱۳۹۳ صفحه ۱۴

مشخصی از میگو و محصولات به دست آمده از آن» (United States-Shrimp-Turtle، ۱۹۹۸، Para. ۵۸)، رکن پژوهشی سازمان تجارت جهانی از عبارات فوق به منظور تفسیر استثنائات عام مندرج در ماده‌ی ۲۰ «گات» استفاده نمود. رکن پژوهش در گزارش خود بیان می‌دارد که مقدمه‌ی موافقت-نامه مؤسس سازمان تجارت جهانی، بر تمام موافقت‌نامه‌های تجاری آن سازمان قابل اعمال بوده و به-علاوه، به صراحت از توسعه‌ی پایدار به عنوان هدف این سازمان نام می‌برد (United States-Shrimp-Turtle، ۱۹۹۸، Para. ۱۲۹). در این راستا عبارات کمیته‌ی تجارت و محیط زیست سازمان تجارت جهانی در خصوص توصیه‌های آن کمیته برای ایجاد اصلاحات در مقررات سازمان تجارت جهانی نیز شایان توجه است. کمیته بیان می‌دارد:

«...[سازمان تجارت جهانی] نیازمند قواعدی است که روابط و تعامل مثبت میان تجارت و اقدامات زیست محیطی را افزایش داده و نیز نیازمند پذیرش مقررات و موافقت‌نامه‌های چند جانبه‌ی مؤثر به منظور پاسخ‌گویی نظام تجارت جمعی نسبت به اهداف زیست محیطی مندرج در دستور کار شماره‌ی ۲۱ و اعلامیه‌ی «ریو» به‌ویژه اصل ۱۲ آن اعلامیه می‌باشد...» بیانات فوق نشان‌گر این است که دولت‌ها با این مسئله که سازمان تجارت جهانی می‌بایست واجد مقرراتی به منظور حصول به تعامل مثبت میان تجارت و محیط زیست باشد، مشکلی نداشته‌اند و حتی موافق آن هستند. چراکه امروزه کمتر کسی می‌تواند در این که محیط زیست بخشی از قلمرو سازمان تجارت جهانی است تردید به خود راه دهد.^۱

بخش چهارم: ضوابط زیست محیطی مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی

معاهده‌ی سازمان تجارت جهانی حاوی ۲۴ موافقت‌نامه و تعدادی تفاهم‌نامه است که بخشی از یک سند واحد هستند. بسیاری از این متون حقوقی، حاوی مقررات مرتبط با محیط زیست می‌باشند که دبیرکل سازمان تجارت جهانی از این مقررات با عنوان «مقررات سبز» (یعنی مقرراتی که هدف آن حفاظت از محیط زیست باشد) یاد نموده است. اما اصطلاح «مقررات سبز» در هیچ یک از مقررات WTO تعریف نشده است. نکته‌ای که در این ارتباط باید به آن توجه شود این است که؛ گرچه مقررات سازمان تجارت جهانی بطور مستقیم سیاست‌های زیست محیطی را به دولت‌ها دیکته نکرده و یا حتی آن‌ها را در استفاده از ابزارهای مورد استفاده آزاد گذاشته‌اند، اما دامنه‌ی قواعد سازمان تجارت

۱ زایدل هومن، فلدرن (۱۳۹۸). حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه، سید قاسم زمانی، تهران، موسسه مطالعات و

جهانی به اندازه‌ی کافی گسترده است تا انتخاب کشورها را متأثر سازد و در عمل، آزادی عمل دولت-ها را در اتخاذ سیاست‌های زیست محیطی‌شان محدود ساخته است.^۱

بند اول: مقررات زیست محیطی گات (GATT)

همان گونه که پیش از این بیان شد، در سال ۱۹۴۷ که مؤسسان «گات» در حال مذاکره‌ی آن موافقت-نامه بودند، از اثرگذاری تجارت بر محیط زیست اطلاع داشتند، از این رو ماده‌ی ۲۰ را به عنوان استثنائی بر قواعد عام «گات» در آن موافقت‌نامه درج نمودند. اما از آن جایی که «گات» ۱۹۴۷ هیچ گونه اشاره‌ی صریحی به محیط زیست و حمایت از آن نکرده بود، در طول مذاکرات «دور اروگوئه» برخی از کشورهای عضو، اصرار به اصلاح ماده‌ی ۲۰ و اضافه نمودن عبارت محیط زیست در بند «ب» آن ماده را داشتند، اما در نهایت، آن ماده بدون هرگونه تغییری در «گات» ۱۹۹۴ گنجانده شد. عدم تغییر متن ماده‌ی مزبور نشان دهنده‌ی عدم تمایل اعضای سازمان تجارت جهانی نسبت به درج استثنائات جدید زیست محیطی در آن موافقت‌نامه است؛ هرچند می‌توان این گونه استدلال کرد که بندهای «ب» و «ز» ماده‌ی ۲۰ با هدف پوشش اهداف زیست محیطی تدوین شده، بنابراین به صورت ضمنی به مسئله‌ی محیط زیست اشاره دارد. از آن جایی که ماده‌ی ۲۰ «گات» ۱۹۹۴، الهام بخش ضوابط زیست محیطی مقرر در اکثر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی است و غنی‌ترین رویه‌ی قضایی حول این ماده شکل گرفته است، لذا شایسته است تا به این ماده و رویه‌ی قضایی مرتبط با آن اشاره‌ای داشته باشیم؛ زیرا درک و شناخت این ماده، راه را برای شناخت ضوابط زیست محیطی در دیگر موافقت‌نامه‌های WTO هموار می‌سازد.^۲ از میان استثنائات عام مندرج در ماده‌ی ۲۰، دو استثناء مرتبط با مسائل زیست محیطی است که شامل بندهای «ب» و «ز» آن ماده می‌باشد. بند «ب» مربوط به اقداماتی است که برای حفاظت از سلامت یا حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان ضروری است و بند «ز» اقداماتی را در بر می‌گیرد که مربوط به حفاظت از منابع طبیعی محدود و تجدید ناپذیر است. اما هر دو استثناء منوط به شرایط مندرج در مقدمه‌ی ماده‌ی ۲۰ هستند که بر اساس آن اقدامات مزبور می‌بایست به شیوه‌ای اعمال شوند که نخست؛ سبب تبعیض غیر قابل توجیه میان

۱ ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۷). مسؤولیت بین المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل، تهران، موسسه

مطالعات و پژوهش-های حقوقی، ص ۷۲

۲ پورهایمی، سید عباس و ارغنده، بهاره (۱۳۹۲). حقوق بین الملل محیط زیست؛ تهران؛ نشر دادگستر، ص ۷۶

کشورهای دارای شرایط یکسان نشود و دوم؛ باعث ایجاد محدودیت مبدل و پنهان بر تجارت بین الملل نگردد. در مطالب پیشرو ابتدا بند «ب» مادهی ۲۰ یعنی اقدامات ضروری برای حفاظت از سلامت و حیات با استناد به رویه‌ی قضایی موجود تحلیل شده و سپس از همین روش برای تحلیل بند «ز» این ماده استفاده خواهد شد.^۱

بند دوم: اقدامات ضروری برای حفاظت از سلامت و حیات

بند «ب» مادهی ۲۰ «گات» به کشورهای عضو اجازه می‌دهد برای حفاظت از سلامت و حیات انسان، حیوان و گیاه اقداماتی را به عمل آورند و هیچ چیز در موافقت‌نامه‌ی «گات» نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مانع از اجرای این اقدامات توسط دولت‌ها گردد. هر چند روابط میان تجارت با مسائل مربوط به سلامت، موضوع جدیدی نیست، اما با افزایش تجارت، مسالهی سلامت نیز اهمیت بیشتری پیدا کرد و سبب شد تا سلامت را، که سابق بر این موضوعی داخلی بود، وارد قلمرو تجارت از جمله سازمان تجارت جهانی نماید، اما این ورود، ورودی بی قید و شرط و مطلق نبوده است. بند «ب» مادهی ۲۰ به همراه مقدمه‌ی این ماده، قیود لازم برای توسل به اقدامات مرتبط با حفاظت از سلامت را بیان نموده‌اند، این قیود شامل ضرورت و عدم اعمال تبعیض خود سرانه و ناموجه می‌شود، با وجودی که عبارت‌های یاد شده از بار معنایی گسترده‌ای برخوردار هستند، اما در موافقت‌نامه‌ی «گات» تعریفی از آن‌ها ارائه نشده است و به دلیل ابهامات موجود، اختلافات بسیاری بر سر تفسیر این مفاهیم میان کشورها بروز یافته است. رکن حل و فصل اختلافات در خلال بسیاری از رسیدگی‌های خود سعی در ایضاح و تفسیر عبارات ذکر شده داشته است. در رابطه با اجرای بند «ب» مادهی ۲۰ هم در «گات» و هم در «WTO» اختلافاتی مطرح شده است، این اختلافات مربوط به سیاست‌های حفاظتی از قبیل حفاظت از سلامت و حیات دلفین‌ها، کاهش آلودگی هوا، خطراتی که پنبه‌ی نسوز و محصولات ناشی از آن برای سلامت انسان‌ها به دنبال دارد و حفاظت از سلامت انسان‌ها در برابر خطرات ناشی از استعمال دخانیات می‌شود. رویه‌ی قضایی حاصل از قضایای فوق، گویای تفسیر عبارات ضرورت است که در زیر به اختصار توضیح داده می‌شود:

هدف از درج قید ضرورت در بند ب مادهی ۲۰ که در موارد مرتبط با محیط زیست در سایر موافقت-

۱ جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، نویسنده زهرا محمودی کردی (استادیار

گروه حقوق دانشگاه مازندران)، دوره ۱۵، شماره ۴۱ - شماره پیاپی ۴۱ مهر ۱۳۹۳ صفحه ۸

نامه‌ها نیز تکرار شده است، صدور مجوز برای دولت‌های عضو به منظور اتخاذ اقدامات محدودکننده‌ی تجاری مخالف موافقت‌نامه‌ی عمومی و برای نیل به اهداف مهم سیاست عمومی است، اما تا جایی که این عدم تطابق اجتناب‌ناپذیر باشد. ضرورت در حقیقت مشخص‌کننده‌ی رابطه‌ی لازم میان هدف مورد تعقیب و اقدامی است که برای رسیدن به آن هدف دنبال می‌شود، لذا تعیین این که آیا اقدامات انجام شده بر اساس بند ب ماده‌ی ۲۰ ضرورت داشته یا خیر؟ مسئله‌ی بسیار مهمی است. بررسی و تفسیر معیار ضرورت مقرر بند «ب» نخستین بار در قضیه‌ی «سیگار تایلند» انجام گرفت، در این قضیه، الزام جدیدی به نام "حداقل محدودیت تجاری" توسط هیئت بدوی گات^۲ به وجود آمد. رکن بدوی در این پرونده معیار ضرورت را این گونه تشریح می‌نماید:

"...محدودیت‌های وارداتی اعمال شده توسط تایلند در صورتی می‌تواند ضروری تلقی شود که اقدام جایگزین دیگری که مخالف موافقت‌نامه‌ی عمومی نباشد و یا تطابق بیشتری با آن داشته باشد و بتوان توقع داشت که به نحو معقولانه‌ای برای رسیدن به اهداف سلامت تایلند به کار رود، وجود نداشته باشد." اما به مرور زمان تفسیر فوق؛ یعنی "حداقل محدودیت تجاری" به "محدودیت تجاری کمتر" بدل گردید و در نهایت رکن پژوهش در قضیه‌ی «پنبه‌ی نسوز» آزمون تناسب (ارزیابی تناسب میان هدف و اقداماتی که برای رسیدن به آن هدف انجام می‌شود) را برای تعیین ضرورت اقدام به عمل آمده به کار گرفت. طبق این آزمون به هر میزان که منافع یا ارزش‌های دنبال شده، حیاتی و مهم باشد راحت‌تر می‌توان به این نتیجه دست یافت که اقدامات انجام شده ضروری بوده است. برای مثال در قضیه‌ی یاد شده، رکن پژوهش با به کار گرفتن معیار ضرورت در قالب تناسب به این نتیجه دست یافت: "...اهدافی که اقدامات بهداشتی برای نیل به آن‌ها اتخاذ شده، حفاظت از سلامت و حیات انسان است که هر دو در بالاترین سطح اهمیت قرار داشته و حیاتی هستند." از مجموع رویه‌ی قضایی پیرامون معیار ضرورت، می‌توان چرخش رویکرد رکن حل و فصل اختلافات را به سمت تفسیر موسع‌تر و در راستای اقدامات بهداشتی و حفاظت از محیط زیست ملاحظه نمود که اگر به همین منوال تداوم یابد روندی مثبت از نقطه‌نظر زیست‌محیطی است. نتیجه‌ی تفسیر مضیق از عبارت ضرورت، چیزی جز غیر قانونی شناخته شدن اقدامات زیست‌محیطی انجام شده طبق بند ب، نخواهد بود. کما این که تفسیرهای دست و پاگیر و موجد قید و بندهای فراوان، که در گزارش‌های اولیه‌ی رکن حل و فصل اختلافات از معیار ضرورت انجام می‌شد علاوه بر آن که دست دولت‌ها را در اتخاذ اقدامات محدودکننده‌ی تجارت بر اساس بند «ب» ماده‌ی ۲۰ «گات» می‌بست، در عمل کارکرد بند ب ماده‌ی

۲۰ گات را منتفی می‌ساخت و حتی جایگاه آن را در حد مقرره‌ای تزیینی و بدون کاربرد تنزل می‌داد.^۱

بند سوم: اقدامات مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر و تفسیر آن

این اقدامات در بند «ز» ماده‌ی ۲۰ «گات» آورده شده است. مقرره‌ی یاد شده بر خلاف بند «ب»، مورد مشابهی در سایر موافقت‌نامه‌ها ندارد و منحصر به «گات» است. بند «ز» ماده‌ی ۲۰ متضمن دو شرط است:

اول- اقدامات باید مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر باشند.

دوم- اقدامات باید همراه با اعمال محدودیت بر تولید یا مصرف داخلی باشد.

بحث پیرامون معیار «ارتباط» نخستین بار در قضیه‌ی ماهی سالمون - شاه‌ماهی کانادا- و در رکن حلّ و فصل اختلافات مطرح شد. رکن بدوی معتقد بود که این معیار را باید در پرتو سیاق کلی بند «ز» ماده- ی ۲۰ «گات» و هدف آن مقررات مورد بررسی قرار داد. بعضی از بندهای ماده‌ی ۲۰ حاکی از این است که اقدامات انجام شده برای رسیدن به اهداف مقرر در بندهای آن ماده باید «ضروری و لازم باشد» درحالی که بند «ز» فقط به اقداماتی اشاره دارد که در ارتباط با حفاظت از منابع طبیعی هستند. منظور از اظهارات فوق این است که بند «ز» ماده‌ی ۲۰ نه تنها شامل اقدامات ضروری برای حفاظت می‌شود بلکه محدوده‌ی وسیع‌تری را نیز در برمی‌گیرد. در نظر رکن بدوی، بعضی مواقع لازم نیست که یک اقدام تجاری برای حفاظت از یک منبع طبیعی ضروری باشد، بلکه باید هدف نخستین آن حفاظت از یک منبع طبیعی تجدیدناپذیر باشد. بنابراین مشخص است که رکن بدوی اقدامی را مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر می‌داند که «هدف اولیه‌ی» آن اقدام حفاظت از آن منبع باشد. تفسیر فوق در دیگر قضایایی که در رکن حل و فصل اختلافات «WTO» در خصوص بند «ز» ماده‌ی ۲۰ مطرح گردید؛ یعنی قضایای بنزین فرمول‌بندی جدید و میگو - لاک‌پشت‌های دریایی نیز تکرار شده است. طبق رویه‌ی قضایی مورد اشاره، علاوه بر معیار "هدف اولیه"؛ ضابطه‌ی دیگری یعنی «وجود ارتباط منطقی میان هدف مورد نظر و اقدام انجام شده» نیز برای احراز معیار "ارتباط" اضافه شده است. البته مشکل بودن اثبات ضابطه‌ی اخیرالذکر امکان مشروعیت اقدامات انجام شده را کمتر می‌نماید، زیرا مطابق این معیار، اقداماتی که صرفاً به صورت تصادفی و اتفاقی با هدف حمایتی مرتبط

۱ رنجبرزاده، جواد (۱۳۹۹)، «اینکو ترمز در حقوق تجارت بین الملل»، فصلنامه قانون یار، دوره چهارم، شماره ۱۵، پاییز

باشند، از شمول بند (ز) ماده‌ی ۲۰ موافقت‌نامه‌ی گات خارج‌اند. از جمله ایراداتی که از نقطه نظر زیست محیطی می‌توان بر ماده‌ی ۲۰ «گات» وارد نمود این است که با توجه به زمان نگارش این ماده (دهه‌ی ۴۰) موضوعات اصلی مندرج در آن منعکس‌کننده‌ی اولویت‌ها و دغدغه‌های غالب در آن زمان می‌باشد، لذا این سوال مطرح می‌گردد که با توجه به تحولات به وجود آمده در عرصه‌ی بین-المللی و به طور خاص محیط زیست، آیا متن ماده‌ی یاد شده می‌تواند پاسخ‌گوی نیازها و مشکلات جدید باشد؟

انتقاد دیگر، به نحوه‌ی نگارش این ماده باز می‌گردد که این نحوه‌ی نگارش توسط گزارشات هیئت حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی تقویت شده است. برای مثال رکن حل و فصل اختلافات «WTO» معتقد است که ماده‌ی ۲۰ «گات» به بیان استثنائات «محدود» و «مشروط» پرداخته است در این چارچوب، عبارت محدود به این معنی است که فهرست استثنائات به نحو جامع در آن ماده بیان شده و در نتیجه نمی‌توان استثنائات دیگری را به آن افزود و عبارت مشروط اشاره دارد به این که استناد به استثنائات فوق منوط به رعایت شرایط مقرر در هر بند از ماده‌ی ۲۰ و مقدمه‌ی آن ماده است. به علاوه، هیئت حل و فصل اختلافات «WTO» همواره از ماده‌ی ۲۰ «گات» تفسیر مضیق به عمل آورده است. از جمله دلایلی که رکن حل و فصل اختلافات برای این عمل خود بیان نموده، این است که ماده‌ی یاد شده دربردارنده‌ی قواعد مثبت (قواعد موجد تعهد) نیست، البته شواهد گویای ایجاد تغییراتی در این نحوه نگارش است، این تغییر گرایش تا کنون در تفسیر معیار ضرورت نمود داشته است. اما در مجموع، خطری که رویکرد تفسیر مضیق در پی دارد این است که این نوع تفسیر از استثنائات مندرج در ماده‌ی ۲۰ به معنی ایجاد طبقه‌بندی ضمنی میان هدف آزادسازی تجارت با هدف حفاظت از محیط زیست است.

بخش پنجم: موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات (GATS)

موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات (گتس)، قواعد بنیادین تجارت کالاها را بر تجارت خدمات اعمال نموده است. در رابطه با مقوله‌ی حفاظت از محیط زیست، طبق بند «ب» ماده‌ی ۱۴ گتس، چنانچه انجام اقداماتی برای حفاظت از سلامت و یا حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان ضرورت داشته باشد، اعضای سازمان تجارت جهانی مجاز به تصویب آن اقدامات هستند ولو این که در مغایرت با «گتس» باشد. هرچند این ماده مشابه ماده‌ی ۲۰ موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت «گات» است، اما قیود محدودکننده‌ی مندرج در مقدمه‌ی آن ماده (تبعیض خودسرانه و غیر قابل توجیه، ایجاد

محدودیت پنهان فراروی تجارت بین الملل) را در خود جای نداده است. به علاوه موافقت نامه‌ی عمومی تجارت خدمات می‌تواند تبعات زیست محیطی مثبتی در پی داشته باشد. یکی از مزایای زیست محیطی «گنس» این است که دولت‌ها را قادر می‌سازد تا برخورد بازتری نسبت به واردات خدمات زیست محیطی داشته باشند؛ همان‌طور که می‌دانید «گنس» جابه‌جایی اشخاص حقیقی را به منظور ارائه‌ی خدمات و یا استفاده از خدمات تسهیل نموده است که از این قابلیت می‌توان به منظور حفاظت از محیط زیست بهره گرفت. اقدامات زیست محیطی در اشکال مختلف آن؛ یعنی مقررات، مالیات‌ها و تحریم‌های وارداتی می‌تواند موضوع قواعدی از «گنس» باشد، البته باید در نظر داشت که قواعد «گنس» تنها در بخش‌هایی قابل اعمال‌اند که دولت‌ها خود را متعهد نموده باشند. از جمله خدمات زیستی مندرج در ضمیمه‌ی «گنس» می‌توان به این موارد اشاره داشت:

- خدمات مربوط به مدیریت فاضلاب.
- خدمات مربوط به مدیریت و بازیافت مواد زائد و زباله.
- خدمات بهداشتی

در این جا جای دارد اشاره‌ای به انتقادات زیست محیطی وارده بر «گنس» داشته باشیم. با توجه به تشابه ماده‌ی ۱۴ این موافقت‌نامه با ماده‌ی ۲۰ «گات» می‌توان ایراد مربوط به تفسیر مضیق را بر این ماده نیز وارد دانست. به علاوه، درج مقرره‌ای مشابه ماده‌ی ۲۰ «گات»، گویای پافشاری و اعتقاد اعضای سازمان تجارت جهانی بر رویکرد مندرج در آن ماده و عدم توجه به تحولات صورت گرفته است که خود موید انتقادی است که پیرامون «گات» بیان گردید. علاوه بر این «گنس» تنها به ذکر یک استثنای زیست محیطی بسنده نموده - اقدامات ضروری برای حفاظت از سلامت و حیات انسان‌ها، حیوانات و یا گیاهان - بنابراین به نظر می‌رسد که استثنای مربوط به حفاظت از منابع طبیعی محدود و تجدیدنپذیر، به عمد از این موافقت‌نامه حذف گردیده است. فقدان این مقرره‌ی زیست محیطی مهم علاوه بر این که گامی به عقب محسوب می‌شود. دفاع از مقرره‌ی زیست محیطی با عنوان حفاظت از منابع طبیعی محدود در برابر مقرره‌ی تجاری را - در صورت طرح اختلافی زیست محیطی - با مشکل مواجه می‌کند. انتقاد دیگری که می‌توان بیان داشت این است که اگرچه مقررات «گنس» به حقوق و تکالیف اعضای صندوق بین‌المللی پول و موافقت‌نامه‌های چندجانبه در مورد مالیات مضاعف کردن نهاده‌اند (Ansari, ۲۰۰۷, ۳۸۷) اما در کمال تأسف «گنس»، فاقد مقرره‌ی مشابهی در مورد رژیم‌های

چندجانبه‌ی زیست محیطی است.^۱

بخش ششم: عملکرد زیست محیطی برخی از ارکان و مقررات نهادی سازمان تجارت جهانی در اسناد بین‌المللی

بند اول: عملکرد کمیته‌ی تجارت و محیط زیست

کمیته‌ی تجارت و محیط زیست حاصل کار کنفرانس وزرای مراکش (۱۹۹۴) است. همان‌گونه که بیان شد این کمیته به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه‌ی میان تجارت و محیط زیست در حوزه‌ی سازمان تجارت جهانی، جانشین گروه تجارت و محیط زیست «گات» گردید. با تأسیس کمیته‌ی تجارت و محیط زیست، مباحثات جدی و شفاف پیرامون تجارت و محیط زیست در سازمان تجارت جهانی آغاز گردید. از جمله مسئولیت‌های این نهاد، بررسی موارد زیر است:

- شناسایی رابطه‌ی میان اقدامات تجاری و زیست محیطی به منظور ارتقای توسعه‌ی پایدار.

ارائه‌ی توصیه‌های مناسب در مورد اصلاحاتی که لازم است در مقررات نظام تجاری چندجانبه به عمل آید، به ویژه

- انجام اصلاحات زیر:

- تدوین قواعدی که روابط متقابل مؤثر میان اقدامات تجاری و زیست محیطی را افزایش دهد.
- اجتناب از اقدامات تجاری حمایت‌گرایانه و پیروی از مقررات چندجانبه‌ی مؤثر به منظور تضمین پابندی نظام تجاری جمعی به اهداف زیست محیطی مقرر در دستور کار شماره‌ی ۲۱ «اعلامیه‌ی ریو» به ویژه اصل ۱۲ آن اعلامیه.

- نظارت و بازبینی اقدامات تجاری که برای اهداف زیست محیطی به کار گرفته می‌شود و نیز نظارت بر جنبه‌های تجاری اقدامات زیست محیطی و اجرای مؤثر مقررات چندجانبه‌ی حاکم بر آن اقدامات.

کمیته به مثابه مکان دائمی تبادل نظر شفاف و بی‌پرده درباره‌ی مسائل مرتبط با تجارت و محیط زیست می‌باشد و از آنجایی که در سایر موسسات و سازمان‌های بین‌المللی توجه کافی به تنش میان مسائل اقتصادی و زیست محیطی نشده است، وجود چنین نهادی در سازمان تجارت جهانی برای حفاظت از محیط زیست با ارزش و مهم است. اما متأسفانه کمیته تاکنون به تصمیمات مهمی دست نیافته و نتایج تحلیلی آن نیز ضعیف بوده است. شاید یکی از دلایل ضعف عملکرد کمیته این باشد که هرچند از این

۱ جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، نویسنده زهرا محمودی کردی (استادیار

گروه حقوق دانشگاه مازندران)، دوره ۱۵، شماره ۴۱ - شماره پیاپی ۴۱ مهر ۱۳۹۳ صفحه ۱۰

نهاد خواسته شده تا اکثر مسائل کلیدی مربوط به تجارت و محیط زیست را بررسی نماید، اما هیچ گونه تلاشی در راستای گسترش مشارکت آن نهاد نسبت به سلفش (گروه تجارت و محیط زیست گات) صورت نگرفته است. برای مثال عدم دعوت از وزرا یا مسئولان محیط زیست کشورها برای شرکت در مذاکرات کمیته (اگرچه برخی از کشورها به صورت خود جوش مبادرت به اعزام وزرای خود جهت شرکت در جلسات کمیته نمودند)، و یا عدم امکان اظهار نظر نمایندگان نهادها و سازمان‌های بین-المللی زیست محیطی در جلسات کمیته از نشانه‌های عدم مشارکت و همکاری این سازمان با سایر نهادهای ملی و بین‌المللی مرتبط با مقوله‌ی محیط زیست است. در پی عملکرد ضعیف کمیته‌ی تجارت و محیط زیست، عده‌ای از تحلیل‌گران معتقدند که تصویب یک دستور کار جلسه‌ی دقیق‌تر و عمل-گراتر به منظور روشن ساختن روابط میان تجارت و محیط زیست ضروری است؛ زیرا بعید است که کمیته با عملکرد کنونی خود قادر به حل تعارض میان تجارت و محیط زیست باشد.

بند دوم: شورای عمومی سازمان تجارت جهانی

یکی از وظایف شورای عمومی سازمان تجارت جهانی، ایجاد ترتیبات مناسب برای همکاری مؤثر با سایر سازمان‌های بین‌المللی است. منظور سازمان‌هایی است که با مسائل تحت صلاحیت و حوزه‌ی کاری سازمان مرتبط‌اند. با توجه به صلاحیت و اختیار فوق‌الذکر، این شورا مبادرت به امضای موافقت‌نامه‌ی‌های همکاری با بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی مالکیت معنوی نموده و هم‌چنین یک تفاهم‌نامه با کنفرانس تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد نیز امضا کرده است. اما متأسفانه تاکنون سازمان تجارت جهانی اقدام به انعقاد هیچ موافقت‌نامه‌ی همکاری با مؤسسات و نهادهای زیست محیطی ننموده است. استفاده نکردن از این سازوکار مقرر در سازمان برای حصول به همکاری با نهادهای زیست محیطی، گویا خلأیی کارکردی است که نشان می‌دهد سازمان هنوز مسائل زیست محیطی را به عنوان مسائل تحت صلاحیت و حوزه‌ی کاری خود به رسمیت نشناخته است.

بند سوم: اقدامات مقرر در فرآیند حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی

منظور از اقدامات مقرر در فرآیند حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، اقداماتی است که در صورت عدم تبعیت دولت محکوم‌علیه از حکم صادره علیه کشور متخلف اعمال می‌گردد. طرف دیگر اختلاف که حکم به نفع او صادر شده، می‌تواند اقدام به تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در سازمان تجارت جهانی در برابر دولت محکوم علیه نماید. اگرچه بسیاری از مفسران این نوع جبران را اقدام متقابل نامیده‌اند، اما در معاهده‌ی سازمان از این اصطلاح نامی به میان نیامده است. نمونه‌ی این

روش‌های جبرانی را می‌توان در قضیه‌ی هورمون‌ها مشاهده نمود که در نتیجه‌ی عدم تبعیت جامعه‌ی اروپا از حکم صادره توسط دادگاه، آمریکا و کانادا مبادرت به وضع تعرفه صد درصدی علیه طیف گسترده‌ای از کالاهای وارداتی از جامعه‌ی اروپا نمودند. بنابراین اعضای سازمان تجارت جهانی می‌توانند از آثار زیست محیطی مجازات‌های تجاری (که طبق ساختار آن سازمان مجاز می‌باشند)، به عنوان ابزاری در راستای حفاظت از محیط زیست بهره گیرند.

بند چهارم: مقررات مربوط به عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی

بر اساس مقررات مربوط به عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی، کشورهایی که از اعضای اصلی این سازمان محسوب نمی‌شوند، می‌بایست از طریق مذاکرات الحاق به عضویت آن درآیند. بنابراین، کشوری که خواستار عضویت در این سازمان است، تنها بر اساس شرایطی که به توافق آن کشور و سازمان برسد، می‌تواند به عضویت سازمان درآید (ماده‌ی ۱۲ موافقت‌نامه‌ی مراکش). مقرره‌ی مزبور مشخص می‌سازد که اختیار و صلاحیت تعیین شرایط عضویت بر عهده‌ی سازمان مزبور است فلذا کشور خواستار الحاق می‌بایست شرایط ارائه شده توسط سازمان را بپذیرد؛ به دلیل موقعیت خاص سازمان تجارت جهانی در اقتصاد جهان و با توجه به این که آن سازمان تنها نهاد تنظیم‌کننده‌ی روابط تجاری در سطح بین‌المللی است و از آنجایی که امروزه تقریباً هر کشوری خواستار عضویت در سازمان تجارت جهانی است، لذا سازمان از اهرم اعمال فشار قابل ملاحظه‌ای در مذاکرات الحاق برخوردار است و می‌تواند از قدرت و نفوذ خود در راستای حصول به اهدافش بهره جوید. در شرایط مطلوب آرمانی، سازمان تجارت جهانی باید از ابزارها و اهرم‌های فشار خود برای حصول به اهدافی که سود و منفعت عمومی به دنبال دارند، استفاده نماید. هرچند تفکیک اهداف عمومی از خصوصی همواره کار آسانی نیست، اما متأسفانه سازمان تجارت جهانی تاکنون چندان از این قدرت خود در راستای منافع عمومی استفاده ننموده است. برای مثال در مذاکرات مربوط به الحاق چین (که گسترده‌ترین مذاکرات صورت گرفته تاکنون بود)، سازمان می‌توانست از قدرت چانه‌زنی خود برای متقاعد و مجبور ساختن چین به بهبود رویه‌های تجاری‌اش استفاده نماید تا از این طریق گامی در جهت کاهش آثار سوء زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های تجاری چین برداشته باشد. اما قصور سازمان در این حیطه نیز به ضرر سیاست‌های زیست محیطی تمام شد. این خلاء خود، ضرورت انجام مذاکرات الحاق با رویکرد زیست محیطی و در راستای حمایت بیشتر از محیط زیست را آشکار می‌سازد.

بخش هفتم: رویکرد پیشنهادی سازمان تجارت جهانی به عنوان سازمانی چند کارکردی

در عصر حاضر تلقی سازمان تجارت جهانی به عنوان یک سازمان صرفاً تجاری امکان پذیر نیست، زیرا مسائل متعدد غیر تجاری یا به درون نظام تجاری رخنه کرده‌اند (برای مثال حقوق مالکیت معنوی) و یا مانند مسائل زیست محیطی و حقوق بشر در حال نفوذ به درون نظام تجارت جمعی هستند. از سوی دیگر قلمداد کردن «WTO» به عنوان سازمانی زیست محیطی نیز گزینه‌ای آرمانی بوده و خالی از عیب و نقص نیست، به کارگرفتن رویکرد پیوند و رابطه نیز گره‌ای از مشکلات مربوط به روابط تجارت و محیط زیست نگاشته است؛ زیرا هنوز دولت‌ها درباره‌ی این که چگونه می‌توان سیاست‌های تجاری و زیست محیطی را به نحوی که متقابلاً پشتیبان هم باشند تنظیم و اجرا نمود، پیشرفت چشم‌گیری نداشته‌اند. با این اوصاف، به منظور نیل به سیاست‌های زیست محیطی و تجاری مکمل، ایجاد اصلاحات در ساختار سازمان تجارت جهانی به گونه‌ای که آن سازمان را تبدیل به سازمانی با اهداف چندگانه نماید (سازمان چند کارکردی)، مناسب به نظر می‌رسد. همان‌گونه که در اعلامیه‌ی کنفرانس پارلمانی WTO در سال ۲۰۰۳ نیز بیان شده است، سازمان تجارت جهانی به سرعت در حال تبدیل شدن به سازمانی بیش از یک نهاد تجاری صرف است. با اعمال این پیشنهاد، محیط زیست و توسعه‌ی پایدار از عباراتی تزئینی و بدون کاربرد در مقدمه‌ی سازمان تجارت جهانی به بخشی از اهداف آن سازمان تبدیل گردیده و سازمان در قبال مسائل زیست محیطی مسئول و پاسخ‌گو خواهد بود. زیرا بدیهی است که برخورداری از اختیار و صلاحیت انجام اقدامات زیست محیطی بدون وجود مسئولیت در قبال حصول به نتایج زیست محیطی مشکل‌آفرین خواهد بود. بدین ترتیب بسیاری از چالش‌ها و تعارضات زیست محیطی موجود در رویه و عملکرد سازمان تجارت جهانی نیز مرتفع می‌گردد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلایل انکار مسائل زیست محیطی به عنوان بخشی از اهداف سازمان تجارت جهانی، اجتناب از مسئولیت بین‌المللی در قبال مسائل زیست محیطی باشد؛ بنابراین راه حل این است که سازمان تجارت جهانی به گونه‌ای اصلاح گردد که احساس مسئولیت و پاسخ‌گویی بیشتری نسبت به مسائل زیست محیطی داشته باشد. برای حصول به این هدف باید بر ساختارهای گذشته غلبه کرد. منظور ساختارها و قالب‌هایی است که یک سازمان بین‌المللی کارکردی را، صرفاً سازمانی با هدف واحد می‌داند. منظور این است که سازمان تجارت جهانی می‌باید به یک سازمان چند کارکردی که یکی از کارکردهای آن محیط زیست است، تبدیل شود. با توجه به سابقه‌ی سازمان

مزبور در مورد حقوق مالکیت معنوی و تدوین یک موافقت‌نامه برای تنظیم جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی، حصول به این هدف چندان مورد انتظار نیست. بنابراین می‌توان از همین الگو در زمینه‌ی محیط زیست بهره جست.

بخش هشتم: تجارت بین‌المللی مواد اولیه و سهم آن در آسیب به محیط زیست

غالب قریب به اتفاق مواد اولیه که عمدتاً مواد معدنی‌اند مستقیماً از منابع طبیعی کشورها برداشت می‌شوند و از آنجایی که امکان تولید مستقیم محصولات از مواد خام در کشورهای ارسال‌کننده وجود ندارد به ناچار با تفاوت فاحشی از لحاظ قیمت یا دست کم بدون کسب هر گونه ارزش افزوده‌ای به سایر کشورها فرستاده شده به همین دلیل بیش از ظرفیت طبیعی معادن مربوطه از آن برداشت شده و آسیب جدی به محیط زیست وارد می‌شود. به عبارتی اگر کشور برداشت‌کننده‌ی مواد اولیه قادر به ایجاد ارزش افزوده در مرزهای خود بود می‌توانست از هر واحد آن یک واحد کالا تولید کند و هنگامی که چنین استعدادی در آن کشور موجود نمی‌باشد، لاجرم باید هزینه این ارزش افزوده به کالای تولیدی از مواد اولیه خود را به علاوه سایر هزینه‌های حمل و نقل و سوداگری تجاری پرداخت نمایند و این امر یعنی به ازای هر واحدی که در کشور خود می‌توانستند تولید کنند باید دو واحد مواد اولیه طبیعی ارسال نمایند و این یعنی استفاده بیش از ظرفیت از طبیعت و در نهایت ایجاد خسارت به محیط زیست. گذشته بر این موضوع، با توجه به ارزش افزوده‌ی حاصله و اینکه برداشت از طبیعت معمولاً ساده‌ترین و ارزانترین راه تامین دارایی‌های فیزیکی برای بشر می‌باشد، این امر برای کشورهای فقیر و کمتر بهره‌مند از توانایی‌های تکنولوژیکی، بهترین راه حل تامین نیازهای مصرفی است و برای کشورهای صنعتی و ثروتمند ساده‌ترین راه افزایش ثروت تلقی می‌شود. چه بخواهیم و چه نخواهیم باید نیازهای خود را از طبیعت تامین کنیم و مواد اولیه مورد نیاز برای ارائه خدمات و محصولات تولیدی خارج از جو زمین وارد نمی‌شوند و بالاجبار بشر نیازمند طبیعت و وجود آن نیازمند احترام به محیط زیست یا همان طبیعت پیرامون انسان است. همین چرخه تولید ناشی از بی عدالتی اقتصادی - فنی که در بالا ذکر آن رفت، یا به عبارتی عدم تساوی در بهره‌مندی از فنون و دانش علمی در بهره‌برداری از وسایل مدرن که باعث عدم ایجاد ارزش افزوده مناسب برای صادر کنندگان منابع طبیعی یا مواد خام می‌شود و بدتر از آن نبود استعدادهای لازم یا کشتن فرصت‌های رشد و شکوفایی این استعدادهای لازم‌ی تدبیر و تدبیر در امور سیاسی و به تبع آن اقتصادی است، باعث می‌شود؛ کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته همواره در حفظ نظام طبیعت و سلامت محیط زیست خواه در

عرصه‌ی ملی و خواه بین‌المللی شاهد نقایص عمده و کوتاهی‌های اساسی باشند. ماجرا آنجا بدتر می‌شود که «کشورهای شمال برانند که مساعد خود را به اجازه‌ی دسترسی خویش به مواد خام با ارزش از سوی کشورهای جنوب و وابستگی سیاسی آن کشورها منوط کنند» از یک طرف، صنایع تولیدی کشورهای شمال سبب ایجاد آلاینده‌گی در محیط زیست می‌شوند که تبعات آن مانند انتشار گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن زمین، دامن شهروندان کشورهای جنوب را می‌گیرد و از طرف دیگر برداشت‌های بی‌رویه از منابع طبیعی سبب بروز آسیب‌های جدی به محیط زیست شده، آثاری مانند تغییرات اقلیمی، فرسایش خاک، ایجاد توفان‌های گرد و خاک، سیل‌ها و تندبادهای مهیب امنیت، رفاه و بهره‌مندی از یک زندگی سالم را از شهروندان کشورهای شمالی سلب می‌نماید. این فرایند در خصوص کشورهای فقیر بیشتر ملموس می‌باشد. «اکتون تعداد فقرا در جهان بیش از هر زمان دیگری است، (حدود یک و نیم میلیارد نفر). اغلب فقرا در نقاطی از جهان زندگی می‌کنند که با یک محیط زیست تخریب شده مواجه هستند و در برخی موارد خود آنها در تخریب محیط زیست خود سهیم‌اند» چنانچه این روند به شکل صحیحی مدیریت نگردد و با رویکردهای نوین توسعه مدارانه‌ی مبتنی بر حفظ محیط زیست به ویژه براساس توصیه‌های عملی مندرج در دستور کار کنفرانس ریو ۲۰+ به ویژه با اعمال قوانین بین‌المللی ترجیحاً آمره تحت نظم و کنترل در نیایند، می‌توانند به کل بشریت که نسل‌های آتی را نیز شامل می‌شود، صدمات جبران ناپذیری وارد نمایند.

بخش نهم: تضادهای موجود در منافع تجاری و منافع زیست محیطی

برای تجارت عوامل و انگیزه‌های متعددی مطرح می‌شود اما اساسی‌ترین آنها سودآوری و به عبارتی دیگر، مهمترین چالش در انجام یک معامله تجاری برآورد سود و زیان و پس از آن ویژگی‌های بازار هدف است. یک تاجر در معاملات تجاری وی یک تولید کننده در اقدام به فروش کالا یا تامین مواد اولیه مورد نیاز پس از چرتکه اندازی و برآورد میزان سود شرایط بازار و ریسک‌های موجود در آن را به دقت بررسی می‌کند. تجارت را معمولاً یک بازی برد - برد می‌شناسند که هر دو سوی آن بنا بر داعی و انگیزه‌ی خود از آن معامله پس از مذاکرات کوتاه یا بلند مدت به دفاعی از ارزش عضویت می‌رسند که انجام آن به نفع هر دو طرف باشد، اما این حالت علی‌الاصول فیمابین دو شخص، خواه حقیقی یا حقوقی اتفاق می‌افتد و در این حالت هر یک از آنها امکان عدم انجام معامله را برای خود محفوظ خواهند داشت و وقتی آن را سود آور ندانند به آن تراضی نخواهند نمود. اما گاهی پیش می‌آید که در موضوعات تجاری، تولیدی تجاری و داد و ستدهای عمده در سطوح بین‌المللی و فرا ملی

بجز دو سوی معامله عامل سومی هم هست که از تراضی آنها سود یا ضرر کسب می‌کند. این عامل سوم جامعه و محیط پیرامونی بشر است که به شکلی پنهان و گاهی هم آشکارا از روابط تجاری تاثیر می‌پذیرد. مثلاً در یک قرارداد منعقدۀ جهت تامین برخی کالاهای اساسی بین دو تاجر در نگاه اول شاهد منفعت جامعه به دلیل سهولت دسترسی مردم به آن کالاها از یک طرف و کسب درآمد و سود و متعاقب آن، همينطور ایجاد اشتغال و افزایش درآمد سرانه‌ی داخلی از طرف دیگر هستیم. در حالت عادی هنگامی که زیان متصوره به سمت تاجر یا فعال اقتصادی باشد، طبیعتاً داد و ستد شکل نمی‌گیرد اما وقتی در انجام یک معامله جامعه یا محیط زیست پیرامون طرفین متضرر می‌شود، همیشه اینچنین نبوده و در بسیاری مواقع علیرغم خسارات وارده به محیط پیرامونی جامعه که طبعاً دامن معامله کنندگان را نیز به شکل مستقیم یا غیر مستقیم خواهد گرفت، داد و ستد به وقوع می‌پیوندد. به عبارتی در تضاد بین منافع شخصی و اجتماعی آن هم در تجارت بین الملل که بنا به وسعت قلمرو و تعداد بازیگران، امکان مخفی ماندن تجارت و لوئ نشدن اعتبار تجاری اقدام کنندگان وجود دارد، منافع زیست محیطی جامعه به راحتی فدای منافع و مطامع شخصی می‌گردد. در جایی که رابطه‌ی تجاری به وسیله‌ی دولت‌ها شکل می‌گیرد نیز امکان این که شاهد تضاد منافع اقتصادی با محیط زیست باشیم وجود دارد. تضاد منافع وقتی بیشتر به چشم می‌آید که با معطل نابرابری اقتصادی به ویژه نابرابری در رشد و توسعه‌ی اقتصادی هم در حوزه‌ی ملی و هم در چارچوب بین المللی روبرو باشیم.

نتیجه گیری و جمع بندی بحث

در دهه‌ی آغازین قرن اخیر به خصوص پس از بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ متأسفانه شاهد نابرابری در حال رشد در بسیاری از اقتصادها می‌باشیم که بحران اخیر کرونا و ناهمگونی‌های به وجود آمده در سطح روابط بین المللی به آن افزوده است. در جوامع مشکل دارد «در حالی که یک درصد از جمعیت افزایش درآمدی ناشی از رشد اقتصادی دارند، ۴۰ درصد از اقشار پایین جامعه سود ناچیزی از رشد اقتصادی می‌برند. با وجود چنین نابرابری‌هایی تمرکز بر حفظ محیط زیست برای مدافعان که غالباً سازمان‌های عمومی غیر دولتی و مردم نهاد با کمترین پشتوانه‌ی مالی هستند، بسیار سخت می‌شود چرا که در آن واحد هم دولت و هم غالب افراد جامعه هدف غالی خود را رهایی از وضعیت ناخوشایند اقتصادی درگیر در آن می‌دانند و وادار کردن یا مطیع کردن آنها به رعایت "قواعد نرم" محیط زیستی آن هم در گستره‌ی بین المللی و نه داخلی با آثاری غیر مستقیم و غیر فوری مانند فرسایش خاک، گرم شدن تدریجی کره‌ی زمین یا آب شدن یخ‌های قطب شمال، سخت و گاهی ناممکن می‌شود. همچنین

لازم به ذکر است پس از حادثه تراژدیک یازدهم سپتامبر و آشکار شدن نقش مبادلات و مراودات مالی تروریست بین المللی، قواعد و مقررات خاص و سختگیرانه‌ای بر تجار و بازرگانان به ویژه در نقل و انتقالات مالی وضع گردید و به شکل کاملاً آمرانه‌ای در سراسر دنیا در مدتی کوتاه به نسبت وضع، ترویج و اجرای مقررات بین المللی، اجرایی گردیدند ولی علیرغم این واقعیت که مخاطرات و خسارات زیست محیطی نیز به لحاظ شدت صدماتی که به بشریت وارد می‌کنند، دست کمی از خسارات و صدمات وارده از طریق تروریست‌های بین المللی ندارد، (خسارت به محیط زیست به طور قطع نسل‌های بعدی را نیز درگیر می‌کند و تنها به وضعیت حال خلاصه نمی‌شود). می‌توان باور داشت که در این مورد نیز با همکاری سازمان‌های بین المللی دولتی و غیر دولتی و استعدادهای نهفته‌ی سازمان‌های مردم نهاد داخلی بین المللی قواعد و مقررات زیست محیطی ناظر بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین المللی وضع نمود و دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های بین المللی را مکلف نمود تا بر فعالیت‌های محل محیط زیست بازرگانان، نظارت جدی‌تری اعمال نمایند و تخلفات تجاری آنان را مطابق این قوانین و مقررات یکسان بین المللی پیگیری حقوقی نمایند. در این راستا، می‌توان از مقررات سفت و سخت بانکی که به منظور کنترل فعالیت‌های تروریستی در دو دهه‌ی اخیر وضع شده‌اند نیز کمک گرفت و از نقل و انتقال مبالغ مالی مربوط به تجارت عوامل محل و مخرب محیط زیست جلوگیری نمود. به هر حال خلاء موجود در نظارت قوانین حقوق بین الملل محیط زیست بر تجارت بین المللی آن قدر مشهود است که اقدامات فوری را طلب می‌کند.

منابع و مآخذ

• منابع فارسی

الف: کتب

- ۱- زایدل هومن، فلدرن (۱۳۹۸). حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه، سید قاسم زمانی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی
- ۲- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۷). مسئولیت بین المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی
- ۳- جلالیان، عسکر (۱۳۹۵). حقوق بین الملل محیط زیست (مجموعه مقالات)، تهران، نشر دادگستر
- ۴- پورهایمی، سید عباس و ارغنده، بهاره (۱۳۹۲). حقوق بین الملل محیط زیست؛ تهران؛ نشر دادگستر
- ۵- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۸). حقوق تجارت بین الملل؛ تهران، انتشارات سمت
- ۶- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۷). حقوق جنگ، حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه؛ تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- ۷- کریستیان، تاموشت (۱۳۹۱). حقوق بشر، شریفی طراز کوهی، حسین، تهران، بنیاد حقوقی میزان

ب: مقالات

- ۱- جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، نویسنده زهرا محمودی کردی (استادیار گروه حقوق دانشگاه مازندران)، دوره ۱۵، شماره ۴۱ - شماره پیاپی ۴۱ مهر ۱۳۹۳
- ۲- شیخ حسنی، حسین (۱۳۹۳)، «فقر خطرناک‌ترین عامل فروپاشی و آلودگی محیط زیست (چرخه سریر فقر و تخریب محیط زیست)»، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی محیط زیست، تهران
- ۳- رنجبرزاده، جواد (۱۳۹۹)، «اینکوترمز در حقوق تجارت بین الملل»، فصلنامه قانون یار، دوره چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۹، صفحات ۵۱ تا ۷۲
- ۴- رحمانیان، سمیه و رمضان‌قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۵)، «بررسی انتساب مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی فرعی به شرکت‌های اصلی در دعاوی خصوصی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی؛ شماره ۷۶؛ صفحات ۱۱۰ تا ۱۳۰
- ۵- ب، برامز؛ ترجمه: علی حیرانی نوبری (۱۳۶۸)، «حمایت بر منابع طبیعی»؛ مجله حقوقی بین

المللی، شماره ۱۱، صفحات ۲۲۱ تا ۲۳۴

۶- جوادی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۷)، «ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه و تدوین حقوق بین الملل محیط زیست»؛ فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست؛ دوره بیستم؛ شماره یک، شماره

پیاپی ۷۶، صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۹

۷- جلالی، محمود و همکاران (۱۳۹۷)؛ «رابطه تجارت آزاد و حفاظت از محیط زیست در حقوق

بین الملل»؛ مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی؛ دوره ۲۲، شماره ۳، صفحات ۲۷ تا ۵۶

• English Reference:

A: Books

- ۱- Seidel-Hohenveldern, Legnaz, (۲۰۲۰). International Economic Law, translation: Seyed Ghasem Zamani, Tehran, Institute of Legal Studies and Research
- ۲- Ebrahim Gol, Alireza (۲۰۱۸). International responsibility of the State, text and description of the International Law Commission, Tehran, Institute of Legal Studies and Research
- ۳- Jalalian, Askar (۲۰۱۶). International Environmental Law (collection of articles), Tehran, Dadgostar Publications
- ۴- Pourhashemi, Seyed Abbas and Arghandeh, Bahareh (۲۰۱۳). International Environmental Law; Tehran; Dadgostar Publications
- ۵- Shirvi, Abdul Hussein (۲۰۲۰). International Trade Law; Tehran, SAMT Publications
- ۶- Bigdeli, Mohammad Reza (۲۰۱۸). Law of War: The Law of International Armed Conflicts; Tehran, Allameh Tabatabai University Press
- ۷- Christian, Tomuschat (۲۰۱۲). Human Rights, Translated: Sharifi Tarazkoohi, Hossein, Tehran, Mizan Legal Foundation

B: Articles:

- ۱- Sheikh Hassani, Hossein (۲۰۱۴), "Poverty is the most dangerous cause of environmental collapse and pollution (cycle of poverty and environmental degradation)", the first International Conference on Environmental Engineering, Tehran, available at: <https://civilica.com/doc/۳۴۷۹۸۸>
- ۲- Ranjbarzadeh, Javad (۲۰۲۰), "Incoterms in International Trade Law",

Qanun Yar Quarterly Journal, Volume ۴, Number ۱۵, PP. ۵۱-۷۲

- ۳- Rahmanian, Somayeh and Ramezani Ghavamabadi, Mohammad Hossein (۲۰۱۶), "Study on the attribution of environmental responsibility of multinational subsidiaries to the main companies in private lawsuits"; Legal Research Quarterly Journal; No. ۷۶; PP. ۱۱۰ to ۱۳۰
- ۴- B, Brahms; Translation: Ali Hirani Nobari (۱۹۸۹), "Support for Natural Resources"; International Law Journal, No. ۱۱, pp. ۲۲۱-۲۳۴
- ۵- Javadi, Alireza and porhashmieh Seyed Abbas and Shirazian, Shirin (۲۰۱۹), "Capacities and Limitations of Development and Codification of International Environmental Law"; Quarterly Journal of Environmental Science and Technology; Twentieth period; Number one, consecutive number ۱۲.

